

نفر به نفر

هومن جعفری
روزنامه‌نگار ورزشیبرای قضاوت
زود است

برای قضاوت قضاوت پیرامون اینکده فرهاد مجیدی مربی موفقی خارج از مرزها خواهد شد، خیلی زود است. فرهاد مجیدی کلاً مورد سختی برای قضاوت است چون کلاً در دو باشگاه سرمربی بوده: استقلال و الکلیا. نتایجش در استقلال خاصه در فصل آخر، آنقدر جذاب و رکوردشکن و رکوردساز بود که در تاریخ ماندگار شود اما تداوم نداشت. قهرمان شدن یک قصه دارد و قهرمان ماندن یک قصه دیگر. اولیگش را تغییر داد و به امارات رفت و نتایجش هم تا اینجا چشمگیر بوده‌اند. او با تیمی درجه سه نتایجی درجه یک گرفته، اگرچه هنوز برای قضاوت خیلی زود است. اول باید صبر کنیم فرهاد یک فصل را تمام کند و بعد باید صبر کنیم تا کارنامه مربیگری او خارج از کشور شکل بگیرد. همانطور که با یک تیم و یک قهرمانی نمی‌شود حکم داد، با یک باشگاه خارج از کشور هم نباید پیش‌بینی کرد. مربیگری زمان می‌خواهد و مربی برای قوام یافتن باید بیازد و برکنار شود و سرد و گرم بچشد. مجیدی در ابتدای راه مربیگری خویش است. می‌توانیم پیش‌بینی کنیم آینده‌ای درخشان خواهد داشت اما هنوز کمی زود است برای رأی کلی دادن. یادمان باشد بسیار مربی‌ها بودند که چند فصل خوب کار کردند و همه به آنها امیدوار شدند اما به تدریج از بازی کنار رفتند. به مجیدی خوشبینی‌های زیادی وجود دارد اما فوتبال همیشه مهربان نیست. به هر حال مجیدی در امارات مشغول لذت بردن از فوتبال و ماجراجویی است. تلاش می‌کند و مزد همین تلاش را تا اینجا گرفته اما یادمان باشد که فوتبال همیشه کارفرمای خوش حسابی نیست. گاهی وقت‌ها خوب کار می‌کنی اما مزد نمی‌گیری، آن روز باید دید چه می‌کنی.

پرچمدار نسل جدید سرمربیان وطنی

سام ستارزاده
روزنامه‌نگار ورزشی

اروپا، امریکای جنوبی و جهان عرب روی نیمکت‌های نمایندگانش شده. این، حقیقتی است که ارزش بالای رسیدن مجیدی به نیمکت الاتحاد کلیا و همچنین، چهار بازی بدون شکست اخیر تیمش در لیگ ادنوک امارات را پررنگ می‌سازد؛ و بالاترین رتبه تاریخ باشگاهش در لیگ را ثبت می‌کند.

الاتحاد مجیدی در آخرین و حیرت‌آورترین نمایش فصلش تا امروز، مقابل النصر کامیک زد که سرمربی‌اش، تورستن فینک،

فرهاد مجیدی نخستین سرمربی تاریخ فوتبالمان در لیگ امارات نیست؛ پیش‌تر و در دهه ۸۰ میلادی، جلال طالبی شش فصل سکان هدایت الخلیج را در دست گرفت. اما از آن زمان، فوتبال باشگاهی امارات با پیشرفتی خیره‌کننده روبه‌رو شده و پذیرای چهره‌های طراز اول فوتبال

۲ قهرمانی در سوئیس و ۲ قهرمانی در ژاپن در کارنامه خود دارد. پیش از آن، مجیدی الوصل خوان آنتونیو پیتزی، سرمربی شیلی قهرمان کوپا امریکای ۲۰۱۶ را متوقف کرده بود و پیش‌تر هم ترمز تیم لئوناردو زاردیم سرشناس، شیباب الاهلی مدعی را کشیده بود.

متأسفانه کسی در فدراسیون فوتبال کشورمان نمی‌تواند ادعا کند سازگاری اصولی و آکادمیک برای پرورش استعداد های سرمربیگری کشورمان

طراحی کرده، اما مجیدی فعلاً پرچمدار نسل جوانی از مربیان داخلی است که پس از دوران بازیگری‌شان، با هزینه شخصی و اتکا به ارتباطات بین‌المللی خود، سال‌ها مربیگری نوین را در قاره سبز آموزش دیدند؛ نسلی که امثال ستارگان سابق تیم ملی همچون جواد نکونام، مهدی مهدوی‌کیا و فریدون زندی را شامل می‌شود.

شاه‌فرهاد آبی‌ها بارها توانایی‌های فنی و مدیریتی خود به‌عنوان یک سرمربی را در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی ثابت

کرده‌است. موفقیت وی در ورای مرزهای ایران، بیش از آنکه دلیل تمجید سردمداران فوتبالمان باشد، مایه تلنگر آنان است؛ از این رو که چرا سیستم آموزشی آنان هیچ خروجی که هم‌تای مجیدی باشد را نپروانده. با این حال، مجیدی در صورت تداوم این روند، می‌تواند پای بسیاری از سرمربیان مستعد وطنی را نیز به فوتبال حاشیه خلیج فارس باز کند؛ اتفاقی که بی‌شک موجب قرار گرفتن نسل جدیدی از مربیانمان روی لبه سکوی پیشرفت و ترقی خواهد شد.

بازگشت به نیمکت استقلال یا هدایت یک تیم ثروتمند یا...

مجیدی استاد ساختن پلن C

امیدواری به فرهاد مجیدی

گلی در شوره‌زار

آیسان سعیدی
روزنامه‌نگار ورزشی

فوتبال ایران مدت‌هاست که از قامت یک مولد خارج شده و بیشتر بدل به مصرف‌کننده شده است. فوتبالی که در بالاترین سطح خود یعنی در لیگ برتر سترون و نازاست و این حقیقت تلخ را با صدای بلند فریاد می‌زند. مدت‌هاست در لیگ برتر ایران هیچ پدیده دندان‌گیری چهره نشده. پدیده‌ای که چشم‌ها را خیره کند و بتواند در تیم ملی جای ثابتی برای خود دست و پا کند و چمدان ببندد و آرزوهایش را در اروپا دنبال کند.

لژیونرهای این سال‌های فوتبال ایران را که مرور می‌کنیم به‌نام جدیدی نمی‌رسیم. نام‌هایی که جملگی سال‌ها در تیم‌ها و لیگ‌های درجه ۳ اروپایی توپ می‌زنند و به این جمع محدود چهره دیگری به ندرت اضافه می‌شود. این همان اتفاقی است که سبب شده تا لیگ ایران هر سال بی‌کیفیت‌تر و ملال‌آورتر دنبال شود و برای برخی از پست‌ها چنان کفگیر به ته دیگ خورده که باید دست به دامان بازیکنان درجه ۳ بی‌نام و نشان شویم چون اساساً در فوتبال ایران هیچ تولیدی وجود ندارد. در حوزه مربیگری وضعیت به مراتب اسفناک‌تر است. دایره مربیان فوتبال ایران به اندازه‌ای بسته و کوچک است که هر مربی با هر کارنامه فاجعه‌باری از داشتن شغل تقریباً مطمئن است و تنها نام تیمش تغییر می‌کند. مربی در لیگ شاغل است که هر فصل در کارنامه سیاه و تاریکش، یک تیم را به دسته پایین‌تر هدایت کرده اما فصل بعد روی نیمکت یک تیم لیگ برتر می‌نشیند تا با کلمات سخیف و هجوآمیزش در کنفرانس‌های مطبوعاتی استندآپ کم‌دی اجرا کند و ملت به او بخندند!

در چنین وانفاسی فرهاد مجیدی حکم گلی در شوره‌زار را دارد که در برهوت فوتبال ایران نه از مسیر منطقی، بلکه به شکل خلق‌الساعه چهره شده و با استفاده بهینه از فرصتی که در اختیار او قرار داده شده، توانسته خود را بالا بکشد. مردی که اگرچه چندان در مربیگری سابقه طولانی ندارد اما دستاوردش به همراه یکی از دو قطب بزرگ فوتبال ایران به اندازه‌ای رشک برانگیز بوده که مسیر او را به آن سوی آب‌ها باز کرده. مجیدی تنها مربی لژیونر فوتبال ایران در دو دهه اخیر است. برای فوتبالی که روزگاری با شوخی بلاهت بار پیشنهاد برایتون به پرویز مظلومی سرتیتر هفته‌نامه‌های طنز بود، حالا حضور مجیدی در لیگ امارات یک غنیمت است. بویژه اینکه مجیدی در تیم کوچک و بی‌ریشه و بدون افتخار الاتحاد کلیا نیز نتیجه‌ای در خور گرفته و همین می‌تواند بزرگ‌تر خارجی باشند تا جا برای سرمربیان امارات و در تیم‌های بزرگ‌تر باشد. به این گل خودرو می‌توان امیدوار بود.

هفتم موفقیتی بزرگ است. موفقیت او از این جهت برجسته و قابل تأمل است که او برخلاف رقبایی که با ریخت و پاش شیوخ عربی و خرید ستاره به موفقیت می‌رسند، با تعدادی بازیکن متوسط و گمنام توانسته بالاتر از سیاست باشگاه تیمش را نگه دارد. اگر مجیدی همین روال را

تداوم دهد، شاید سال آینده با پیشنهادی بهتر و بزرگ‌تر خود را روی نیمکت تیمی ثروتمند ببیند. مجیدی در امارات هم برخلاف پیش‌بینی‌ها نتیجه گرفته و معادلات را بر هم زده. آیا او سال بعد هم در امارات مربیگری می‌کند؟ یا اینها پلنی برای بازگشت با اقتدار به نیمکت استقلال است؟ البته با رفتارهای مجیدی، او شاید پلن C خود را به اجرا بگذارد.

برسد؛ تصور عمومی در مورد مجیدی این بود:

«او بعد از چند هفته از الاتحاد جدا می‌شود و به‌عنوان آلترناتیو سرمربی بعدی استقلال، با ژست قهرمان به تهران بازمی‌گردد.»

اما نه‌تنها مجیدی در امارات ناکام نیست که فراتر از انتظار نتیجه گرفته و با ۴ برد، ۲ مساوی و ۲ شکست، الاتحاد کلیا را در نیمه بالای جدول نگه داشته تا تمام تصورات قبلی در خصوص توانایی او زیر سؤال برود.

اگرچه مجیدی هنوز در تراز بین‌المللی به موفقیت بزرگی نرسیده اما برای نخستین مرتبه ایرانی که بدون تسلط کافی به زبان انگلیسی باید با تیمی کار می‌کرد که سبقت و پیشینه‌ای درخشان در امارات ندارد، رتبه

قربان نزدیکی به استراماچونی داشت، بعد از ۵ سال مقابل پرسپولیس قد علم کرد تا دست رقیب دیرینه از جام ششم- که به دلیل حساسیت عدد ۶ نزد هواداران استقلال اهمیت ویژه‌ای داشت- کوتاه بماند.

همین موفقیت باعث شد تا فرهاد در ادامه جدایی‌های غیرمنتظره‌اش با استقلال قطع همکاری کند. او برای ادامه مربیگری، پیشنهاد کار از تیمی ناشناخته به‌نام «الاتحاد کلیا» در لیگ امارات را پذیرفت. خوشبین‌ترین آدم‌ها هم که جدایی مجیدی از استقلال را برای شانه خالی کردن از مسئولیت می‌پنداشتند هم تصور نمی‌کردند که مجیدی تا اینجا لیگ امارات با تیمی گمنام و کم‌ستاره به موفقیت

به موفقیت! شاید آخرین نمونه، ناصر حجازی بود که با محمدان بنگلادش در جام باشگاه‌های آسیا پرسپولیس را برد. اما دوره مربیگری او آنقدر تازه نیست که بچه‌های دهه هفتاد و هشتاد یا حتی فوتبالی‌دوستانی که نیمه دوم دهه ۶۰ چشم به دنیا باز کردند، حجازی را روی نیمکت یک تیم خارجی به یاد آورند.

فرهاد مجیدی فوتبالیست خاص و محبوبی برای استقلال بود؛ همین محبوبیت باعث شد تا او بدون کارنامه مربیگری در چند مقطع هدایت استقلال را برعهده بگیرد اما قهرهای گاه و بیگاه او دلیلی بود برای اینکه هواداران استقلال تا هفته‌های آخر فصل قبل به او در قامت مربی با تردید نگاه کنند. اما مجیدی با سبک و سیاقی که

سعید زاهدیان
روزنامه‌نگار ورزشی

فرهاد مجیدی؛ از نسل جدید فوتبالیست‌های درجه یک ایران، او نخستین چهره‌ای است که مربیگری آن سوی مرزها را تجربه می‌کند. پیش از مجیدی، مربیان نظیر شحمت مهاجرانی، همایون شاهرخی، جلال طالبی، ابراهیم قاسمیپور و چند چهره دیگر سابقه فعالیت در لیگ امارات و قطر را در کارنامه دارند اما در ۳۰ سال اخیر به یاد نداریم که یک مربی سرشناس و نامدار حتی در لیگ‌های هند، بنگلادش، پاکستان- و در یک کلام تیم‌های درجه سه و چهار آسیا- هم مربیگری کرده باشد، چه برسد



شکست نخوردن، هدف اول فرهاد

امیررضا همایون
خبرنگار ورزشی

فرهاد مجیدی موفق‌ترین سرمربی حال حاضر فوتبال ایران است. او که پس از قهرمانی بدون شکست استقلال به پیشنهاد الاتحاد کلیا پاسخ مثبت داد و برای ادامه کارش در دنیای مربیگری به امارات رفت. مجیدی اما پیش از رفتن به امارات در ۳ مقطع مختلف هدایت آبی‌پوشان پایتخت را برعهده داشت. مجیدی در مجموع ۸۵ بار روی نیمکت

استقلال نشسته و در مجموع ۹ بازی را واگذار کرده. آماري که نشان‌دهنده این است که تیم‌های تحت هدایت مجیدی برخلاف پست او در دوران بازیگری به‌دنبال هستند. سبکی که البته در فوتبال روز جهان توسط بسیاری از مربیان مورد استفاده قرار می‌گیرد و تنها مخصوص به اسطوره سابق استقلال نیست. آنچه نشان‌دهنده بلوغ فکری مجیدی در دنیای مربیگری است. او با همین فلسفه در امارات مربیگری می‌کند. اوج درخشش مجیدی در این

فصل به بازی تیمش مقابل النصر بازمی‌گردد که شاگردان مجیدی پس از ۳ بار بازشدن دروازه با ۵ گل کامیک درخشانی را مقابل این تیم رقم زدند. نتیجه‌ای که باعث افزایش تمجیدهای کارشناسان فوتبال امارات از مجیدی شده. فرهاد مجیدی در این فصل با اتحاد کلیا، ۸ مسابقه در لیگ امارات برگزار کرده و موفق به کسب ۱۴ امتیاز شده. این تعداد امتیاز تا به امروز در تیم اتحاد کلیا بی‌سابقه بوده. نکته‌ای که ما را به ماندگاری مجیدی در امارات امیدوار می‌کند.

مثل فرهاد به دل کوه بزن!

ایمان شیرازی
خبرنگار ورزشی

روزی که سرمربی تیم قهرمان بدون شکست لیگ بیست و یکم جدایی خود را از این تیم تأیید کرد و راهی قطر شد، همه فکر می‌کردند این یک حرکت روبه عقب است و به جز بردن حساب‌های بانکی هیچ سود دیگری برای مجیدی نخواهد داشت. ایرانی که بدون تسلط کافی به زبان انگلیسی باید با تیمی کار می‌کرد که سبقت و پیشینه‌ای درخشان در امارات ندارد، رتبه

اتحاد کلیا در کنفرانس مطبوعاتی قول بهترین شروع تاریخ باشگاه را داد، خیلی‌ها حرف‌های فرهاد را رویاپردازی می‌دانستند و در دل به او خندیدند. وقتی لیگ امارات به هفته هشتم خود رسید تیم مجیدی با ۴ برد، ۲ مساوی و ۲ باخت بهترین شروع تاریخش را جشن گرفت و اختلاف ۲ امتیازی تا صدر جدول منتقدان را مجبور کرد که حرف‌های او را جدی‌تر بگیرند. مجیدی برای خوشگذرانی به امارات نرفته بود! حالا همه به این باور رسیده‌اند که ادامه تاریخ‌سازی فرهاد با

تیم متوسط روبه ضعیفی مثل کلیا نه تنها قدم‌رو به عقبی نبوده، بلکه شاید کشیده شدن به عقب برای بلندپروازی‌های بعدی بود. حال‌تمام مربیانی که سرمربیگری در ایران را نهایت آرزوی خود می‌دیدند متوجه شدند که می‌توانند به‌دنبال ماجراجویی‌های بزرگتری نیز بروند. شاید بد نباشد سرمربیان که به‌صورت چرخشی در تیم‌های لیگ برتری جا به جا می‌شوند کمی به فکر چالش‌های بزرگ‌تر خارجی باشند تا جا برای سرمربیان جوان داخلی نیز باز شود.